



کلیدواژه‌ها: حیاط، مدرسه، معماری.

آن چه گذشت:

شاگردی از مدرسه‌ای در تهران، در ایام تابستان به مدرسه رفته بود. کادر آموزشی مدرسه مثل هر سال، مشغول تعمیر نقاطی از مدرسه بودند و کارگران در حیاط مشغول. در این حین، آقای معماری وارد مدرسه شد. به نظر می‌آمد که از همه جای حیاط عکس می‌گیرد. بعد هم با کادر آموزشی مدرسه صحبت کرد که حیاط مدرسه خیلی شاداب نیست و بسیاری از خواسته‌های دانش‌آموزان را فراهم نمی‌کند. بعد از آن قرار شد که معمار همراه با یک تیم متشکل از مدیر و دو معلم راهنما، برای بهبود طراحی داخلی مدرسه جلساتی داشته باشند. آقای معمار نیز از شاگردی علاقه‌مند به این حوزه‌ها خواسته بود که تیم طراحی کوچک خود را تشکیل بدهد و به تیم بزرگ کار طراحی بپیوندد و...

وقتی آقای معمار از مدرسه رفتند، سعی کردم با یکی دو تا از بچه‌های مدرسه که از معماری مدرسه دل‌خوشی نداشتند، صحبت کنم. قرار گذاشتیم که آن دو نفر به منزل ما بیایند و سعی کنیم تیم کوچک طراحی خودمان را به وجود بیاوریم. ما سعی کردیم در جلسه اول، مشکلات حیاط مدرسه را تیتروار بنویسیم. دوست داشتم این‌ها را به آقای معمار بگویم تا اگر شد، برای تغییر آن‌ها اقدامی انجام بدهند. فهرستی که ما آماده کرده بودیم، از این قرار بود:

- ✓ حیاط مدرسه ما سایه ندارد و یا بسیار کم دارد و بچه‌ها همیشه در زنگ تفریح در آفتاب هستند.
- ✓ حیاط مدرسه جای باصفایی برای نشستن بچه‌ها ندارد.
- ✓ حیاط مدرسه فضای سبز شیک مانند پارک‌ها ندارد.
- ✓ در اصلی مدرسه سایه‌بان ندارد و مراجعه‌کنندگان همیشه در آفتاب هستند.
- ✓ حیاط مدرسه ما جایی برای نشستن والدین ندارد.
- ✓ نمای مدرسه به اعتقاد ما دانش‌آموزان نمای زیبایی نیست.
- ✓ محیط سرویس‌های بهداشتی در حیاط مدرسه، سرد هستند و زمستان‌ها کف آن‌ها کثیف و خیس می‌شود.

✓ پرچم حیاط مدرسه در جای خوبی نصب نشده است.
✓ شعارها و پیام‌های آموزشی نوشته شده روی دیوار مدرسه، تکراری و رنگ و رو رفته‌اند.
✓ حیاط مدرسه ما، سطح شیب‌دار برای ورود به ساختمان مدرسه ندارد و یکی از هم‌کلاسی‌های من هر روز موقع ورود و خروج از ساختمان مدرسه، با مشکل بر می‌خورد.
✓ خانه پرندگان ما در مدرسه ایده بسیار خوبی است، اما بوی بسیار بدی دارد.

بعد از آن نیز فهرست آرزوها و چیزهایی را که می‌خواستیم، مرتب کردیم تا بتوانیم آن را در جلسه مطرح کنیم. **البته در حین نوشتن، بسیار می‌خندیدیم، چرا که فکر می‌کردیم این خواسته‌ها عملی نمی‌شوند.**

✓ ما دوست داریم مدرسه مانند پارک، فضای سبز بسیار شیکی داشته باشد. حتی اگر زمین کافی برای این کار ندارد، از باغچه‌ها، آویزهای روی دیوار و یا گیاهان رونده استفاده کند.

✓ ما دوست نداریم کل حیاط مدرسه‌مان آسفالت باشد. دوست داریم بخشی از آن آجر فرش، بخشی کفپوش نرم و در صورت لزوم بخش بسیار کوچکی از آن آسفالت باشد.

✓ ما دوست داریم صندلی‌های حیاط مدرسه‌مان سیمانی یا فلزی و سرد نباشند. دوست داریم صندلی‌ها روبه‌روی هم باشند تا بتوانیم با دوستان خود به راحتی صحبت کنیم.

✓ ما دوست داریم بخشی از حیاط مدرسه را **خودمان مدیریت** کنیم.

✓ ما دوست داریم دیوارهای بخشی از حیاط را خودمان تزئین کنیم و این دیوار ما باشد.

✓ ما دوست داریم روی یک دیوار مدرسه **تخته سیاه** بسیار زیبا داشته باشیم و حرف‌های خودمان را با مدیر و معلمان و یا بچه‌ها در آن‌جا بنویسیم، بدون این‌که مؤاخذه شویم.

✓ ما به عنوان دانش‌آموز دوست داریم در مدرسه‌مان **درختان بسیار بزرگ** داشته باشیم.

✓ ما دوست داریم در بخشی از دیوار مدرسه، **ستون صخره‌نوردی** بسازیم. مثل آن چیزهایی که در تلویزیون و یا اینترنت دیده‌ایم. بالا رفتن احساس خوبی به ما می‌دهد.

✓ ما دوست داریم جایی که می‌نشینیم، حتماً هوای گرم و **سایه** داشته باشد.

✓ ما از صدای آب لذت می‌بریم. آیا می‌شود در حیاط مدرسه آب و یا صدای حرکت آب را داشته باشیم؟

✓ ما دوست داریم در بخشی از حیاط مدرسه کشاورزی و یا باغبانی کنیم. البته می‌دانیم که برای بسیاری از مدارس این کار شدنی نیست. اما دوست داریم حداقل **باغبانی** فضایی به اندازه دو متر در سه متر را به ما بسپارید.

✓ ما از صف صبحگاهی در مدرسه لذت نمی‌بریم. اصلاً آن را دوست نداریم. یک کار کلیشه‌ای و تکراری است! آیا می‌شود برای برنامه‌های سخن‌رانی، از سالن نمازخانه و یا آمفی‌تئاتر استفاده کرد؟ آیا می‌شود این صف‌بندی را حذف کرد و یا مثلاً آن را کم کرد؟ **(این‌جا به خواسته خود بسیار خندیدیم.)**

✓ ما دوست داریم اول صبح به جای صف صبحگاهی، **جمعی صمیمی** تشکیل دهیم و بعد وارد کلاس‌مان شویم.
✓ ما به عنوان **اعضای اصلی مدرسه**، دوست داریم با پدر و مادرهای خود در حیاط مدرسه بنشینیم و صحبت کنیم؛ مثلاً هفته‌ای دو ساعت.

✓ ما دوست داریم در حیاط مدرسه **فضایی دنج** داشته باشیم. فضایی دور از چشم ناظم و یا کادر مدرسه. آیا ما حق کمی آزادی در مدرسه را نداریم؟ (توی این قسمت هم کلی خندیدیم و شک داشتیم آن را بنویسیم).

هفت هشت مورد دیگر نیز بود، اما سعی کردیم مهم‌ترین‌ها را انتخاب کنیم. بعد از آن، رایانامه آقای معمار را پیدا کردیم و خواسته‌هایمان را قبل از جلسه برای ایشان فرستادیم. آقای معمار از این نکات خیلی استقبال کردند و آن‌چه ما از آن خیلی تعجب کردیم، این بود که ایشان جوابشان گفتند، تمام خواسته‌های ما طبیعی است و اشکال از معماری رایج در مدارس فعلی ایران است. این که مدارس استعدادها را خفه کرده‌اند و نداشتن علاقه بچه‌ها از رفتن به محیط مدرسه، به معماری آن مربوط است. بعد از آن قرار شد من به عنوان نماینده طراحان کوچک، در جلسه آینده مدرسه برای طراحی داخلی، شرکت کنم و بکوشم در طراحی برای زنده کردن حیاط مدرسه دخیل شوم.

منتظر رایانامه‌های شما هستیم.

samaneh@irvani.com

ما از صف صبحگاهی در مدرسه لذت نمی‌بریم. اصلاً آن را دوست نداریم. یک کار کلیشه‌ای و تکراری است! آیا می‌شود برای برنامه‌های سخن‌رانی، از سالن نمازخانه و یا آمفی‌تئاتر استفاده کرد

مدارس استعدادها را خفه کرده‌اند و نداشتن علاقه بچه‌ها از رفتن به محیط مدرسه، به معماری آن مربوط است